

The Role and Position of Arbitration in Dispute Settlements of Foreign Investment in Iran law

Saeed Goodarzi¹, Yousef Darvishi Hoveyda^{2*}, Ebrahim Delshad Maarefi³

1. PhD student, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Abstract

Arbitration is common in foreign investment dispute resolution, but there is no consensus on using arbitration as regard as foreign investors, because there are foreign elements. Dispute resolution of international issues such as foreign investment is most of the often according to the rules of international documents and arbitration is one them. In Iran law there are some challenges on using arbitration for dispute resolution because of exclusions of 139 principle of Constitutional Act. But in International issues, arbitration is eminent. One of the most important documents is The Washington Convention acted 1965 that regards the arbitration as one of the methods of dispute resolution on foreign investment. As of finance for d it is possible to rethink about foreign investment and arbitration is one of the best ways of dispute resolution that has the least cost and the most rate and high efficiency. So, by an international approach to the issue, we try to remove the defects and make this method of dispute resolution on foreign investment eminent in Iran.

Keywords: Dispute, Foreign Investment, Arbitration, The Washington Convention, Iran Law



Article Type:

Original Research


Pages: 309-331

Received: 2023 April 16

Revised: 2023 May 02

Accepted: 2023 May 22



 This is an open access article under the CC BY licens.

*Corresponding Author: yousefdarvishihoveyda@yahoo.com

جایگاه و نقش داوری در حل اختلافات و دعاوی ناشی از سرمایه گذاری خارجی در حقوق ایران

سعید گودرزی^۱، یوسف درویشی هویدای^{۲*}، ابراهیم دلشاد معارف^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.



چکیده

بی‌گمان، استفاده از داوری به عنوان راهکار حل و فصل اختلافات در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی نیز همانند حوزه‌های دیگر مورد استقبال قرار گرفته است اما در خصوص سرمایه‌گذاران خارجی بدلیل دخالت عامل خارجی و بین المللی بودن آن، اتفاق نظر وجود ندارد و حل اختلاف موضوعات بین المللی از جمله سرمایه‌گذاری خارجی نیز خواه از طریق روش‌های دادگاهی باشد و خواه برون دادگاهی، عمدتاً از طریق قواعد پیش‌بینی شده در اسناد بین المللی صورت می‌گیرد که داوری نیز از این امر مستثنا نبوده و از مهم‌ترین این منابع، معاهده واشنگتن مصوب ۱۹۶۵ می‌باشد که یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی داوری بیان کرده است و در حقوق ایران به بدلیل ضرورت ایجاد منابع جدید برای پیشرفت و توسعه می‌توان با نگاهی جدید به سرمایه‌گذاری خارجی نگریست و از طرفی یکی از مواردی اصلی برای سرمایه‌گذاری خارجی تأمین امنیت در صورت وجود اختلاف و اعتماد به مرجع حل و فصل اختلافات است که یکی از بهترین راه حل‌ها، پذیرفتن نهاد داوری است که هم مورد توافق طرفین اختلاف باشد و هم هزینه کم و سرعت و کارایی بالا از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود و لذا با بررسی موضوع از جایگاه بین المللی و رفع کاستی‌ها سعی در برجسته شدن نقش و جایگاه این نهاد در حل و فصل اختلافات داوری خارجی داریم.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳۰۹-۳۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱



واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری خارجی؛ داوری؛ کنوانسیون واشنگتن؛ حقوق ایران؛ اختلاف

تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

* نویسنده مسئول: yousef.darvishihoveyda@yahoo.com

درآمد

در عرصه بین‌الملل دعاوی به سه دسته تقسیم می‌گردند. ۱. دعاوی بین اشخاص
 ۲. دعاوی بین دولت‌ها ۳. دعاوی بین دولت‌ها و اشخاص خصوصی خارجی. مورد بحث
 در این مقاله دسته سوم اختصاص دارد، قبل از تصویب کنوانسیون واشنگتن، دیوان اتاق
 بازرگانی بین‌المللی نقش اساسی در حل و فصل اختلافات دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری
 را داشت به این ترتیب که در نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مهم‌ترین نظام داوری
 تعدد تجاری بین‌المللی بوده است و در این نهاد به عنوان دیوان در مفهوم اصطلاحی
 کلمه نیست چرا که اعضای دیوان خود در موضوعی دعاوی رسیدگی نمی‌کنند بلکه آن‌ها
 اعمال قواعد داوری از سوی داوران را تضمین و این داوران تعیین شده از سوی دیوان
 نسبت به حل و فصل اختلافات می‌پردازند و نسبت به صدور رأی اقدام می‌نمایند پس
 از آن در سال ۱۹۶۵ معاهده بین‌المللی راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری در
 واشنگتن منعقد گردید و از ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ قدرت اجرایی یافت این معاهده فراگیرترین
 موارد تخصصی راجع به حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی است موعده مذکور که ابتکار آن
 با بانک جهانی ترمیم و توسعه بود منتهی به تشکیل مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات
 سرمایه‌گذاری گردید و مراکز اصلی مقرر برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری که نهادی
 بین‌المللی و بین‌الدولی در لاهه است ایکسید ماهیتی دوگانه دارد چرا که از یک طرف از
 سوی دولت‌ها به وجود آمده است از طرف دیگر اشخاص خصوصی نیز می‌تواند طرح دعا
 نمایند اما با این توسعه و پیشرفت در کشورهای مختلف و همچنین ایجاد معاهدات و مراکز
 داوری متعدد در عرصه بین‌الملل اما هنوز به لحاظ تفسیر نادرست و مضیق از برخی اصول
 قانون اساسی و مواد قانون عادی ایران، هم مانع الحاق به کنوانسیون‌های موثر شده
 است و هم مانع ارجاع اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی به داوری شده است که در این
 مقاله شده است که با تعریف سرمایه‌گذاری خارجی و شناسایی چالش پیش رو تلاش در
 جهت در رفع این موانع حقوقی شده است.

۱. مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی

در قوانین تعریف کاملی از سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق ایران ارائه نشده است. تنها در بند ه ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در این خصوص مقرر می‌دارد «سرمایه‌گذاری خارجی به‌کارگیری سرمایه‌گذاری خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری است که در برخی یکی این تعریف کامل به‌نظر نمی‌رسد در برخی متون حقوقی تعاریفی در این مورد ارائه شده است که هرچند ناظر به سرمایه‌گذاری خارجی نیست معیاری برای تعریف بدست می‌آورد»

و در ماده ۱ الگوی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایالات متحده^۱ مقرر می‌دارد «سرمایه‌گذاری عبارت است از هرگونه دارایی متعلق یا تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه‌گذار که با ویژگی یک سرمایه‌گذاری همانند ویژگی اداره سرمایه یا دیگر منابع به‌منظور بدست آوردن سود و منفعت با وجود پیش‌بینی خطر اداره می‌شود» ریسکی یک سرمایه‌گذار خواهد داشت شامل بنگاه اقتصادی، مشارکت‌ها، پیوندهای استقراضی، معاملات، عناصر سازندگی حقوق مالکیت فکری اسناد و مجوزها و مدارک مورد نیاز براساس قانون کشور سرمایه‌پذیر و دیگر دارایی‌های منقول و غیرمنقول و حقوق مربوطه تأکید بر خطرات در این تعریف هرچند اغراق‌آمیز به‌نظر می‌رسد ولی نشانگر دغدغه‌ای است که قبلاً آن اشاره شد و از اهداف اعمال قواعد حقوقی مناسب در حل و فصل اختلافات در عرصه کاهش این خطر است

ماده ۱ الگوی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بریتانیا مقرر می‌دارد» سرمایه‌گذاری عبارت است از هرگونه دارایی ویژه به‌گونه‌ای انحصاری شامل: اموال منقول و غیرمنقول و دیگر دارایی‌ها» و ماده ۱۱۳۹ توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی^۲ و ماده ۱۷ منشور انرژی آمریکا نیز تعاریف مشابهی ارائه نموده اند این تعاریف بیشتر حول

1. US Model BIT

2. North American free Trade agreement

سرمایه می‌گردند تا سرمایه‌گذاری خارجی؛ اما با توجه به آن‌ها می‌توان سرمایه‌گذاری خارجی را این‌گونه تعریف کرد که سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از این‌که: سرمایه‌گذار هرگونه دارایی متعلق یا تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم خود را به منظور بدست آوردن سود و منفعت و باوجود پیش‌بینی خطر و به‌همراه داشتن بنگاه اقتصادی به مشارکت، پیوندهای استقرای در معاملات زمان دار و..... با هدف اقتصادی معین وارد صحنه‌ای اقتصادی کشور میزبان تاریخچه اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی در گذشته عمده‌ترین چالشی که ضرورت قانون‌مند کردن عرصه سیاست‌گذاری در سرمایه‌گذاری خارجی را موجب شد بروز برخی اختلافات میان دولت‌های سرمایه‌پذیر به سرمایه‌گذاران خارجی بود، در اوایل قرن بیستم که هنوز اتکا به نهادهای حقوقی و معاهدات به‌طور کامل نهادینه نشده بود توسل به قدرت نظامی مؤثرترین راه حل محسوب می‌گردید، برای مثال استفاده از قدرت نظامی برای وصول مطالبات عمومی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی چالشی بود که به موجب معاهده حمل‌ونقل زمینی برای این‌گونه اعمال فشارها و محدودیت‌هایی مقرر گردید مشکل دیگر در روند دست‌وپا گیر و پرهزینه حمایت دیپلماتیک بود که در اواسط قرن بیستم متداول بود پس از جنگ جهانی اول با تأسیس دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی برخی دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی در آن رسیدگی شد در این دوره برخی کمیسیون‌ها و رسیدگی‌ها نهادینه شد که موج آن برای اولین بار یک شخص می‌توانست علیه دولت بیگانه اقامه دعوا نماید پس از جنگ جهانی دوم به دلیل فشار اقتصاد سوسیالیستی در اروپای شرقی، ملی کردن برخی صنایع در اروپای غربی مانند فرانسه و انگلستان استقلال آخرین مستعمرات و ملی کردن برخی صنایع مانند نفت و معادن در کشورهایمانند ایران، شیلی، جامائیکا و دیگر کشورها اختلافات سرمایه‌گذار خارجی اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی بروز و ظهور بیشتری یافت. هرچند در این عرصه برخی از تلاش‌ها مانند منشور هاوانا ناکام ماند اما برخی استقبال بیشتری روبه‌رو شدند در سال ۱۹۴۹ اتاق بازرگانی بین‌المللی و قانون بین‌المللی معاهدات

تجاری را برای سرمایه‌گذاری خارجی تصویب کرد در دهه ۱۹۵۰ برخی کشورها «معاهده دوستی تجاری و حمل‌ونقل دریایی» متضمن مقرراتی برای تنظیم سرمایه‌گذاری خارجی بود تصویب رساندند نیمه دوم قرن بیستم تلاش برای سرمایه‌گذاری خارجی و روش‌های حل و فصل اختلافات ناشی از آن با جدیت بیشتری دنبال شد علاوه بر تأسیس مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری که اختصاصاً به منظور حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری شده است سازمان تجارت جهانی و معاهده منشور انرژی نیز متضمن مقررات قابل اعمال در عرصه حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی هستند.

۲- ماهیت اختلاف

برای یافتن قواعد مناسب حل و فصل اختلافات در سرمایه‌گذاری خارجی و حتی دیگر اختلافات بررسی چابستی و ماهیت آن ضرورت دارد و بی‌تردید شناخت ماهیت اختلاف منوط به بررسی چگونگی بروز آن و روندی است که اختلاف منتهی می‌شود پیش از آن که یک اختلاف معنا و مفهوم حقوقی کلمه بروز پیدا کند یک برخورد پدیدار می‌شود و آن عبارت است از موقعیتی که در آن طرف‌ها به مرحله‌ای از نارضایتی از یکدیگر برسند. بنابراین با بروز نارضایتی تعارض و برخورد حاصل می‌شود و با اندکی تسامح می‌توان گفت اختلاف معمولاً به‌هنگام تعارض و برخورد منافع رخ می‌دهد بنابراین اگر نارضایتی از مرحله‌ای خاصی بالاتر رود به اختلاف منتهی می‌شود با این توضیح روشن می‌شود که معنی اختلاف محدودتر از تعارض و برخورد است در سرمایه‌گذاری خارجی عمدتاً سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر به‌طور بالقوه با یکدیگر تعارض ظاهری منافع به سبب برد چراکه طرف مقابل یکدیگرند و بروز اختلاف فی‌مابین محتمل است البته این تعارض واقعی نیست زیرا سرمایه‌گذاری خارجی در گستره‌ای که در کشور میزبان موجود است فعالیت میکند و کشور میزبان نیازمند سرمایه است که سرمایه‌گذاری خارجی با خود

1. R. Doak Bishop & Michael Reisman, James Crawford, op.cit.1.

می‌آورد بنابراین منافع دو طرف به یکدیگر پیوند می‌یابد به هر حال در هرگونه توافق و قراردادی که بین طرفین منعقد می‌گردد مخصوصاً در هر بستر قوانین معارض بر وجود داشته باشد به صورت بالقوه یک اختلاف وجود دارد و نتیجه در نتیجه یک اختلاف زمانی محقق می‌گردد که یکی از طرفین از طرف دیگر به علت عدم دسترسی به منافع و یا برخورداری از شرایط مناسب و عدم برخورداری از پیش‌بینی‌های مندرج در قرارداد ناراضی باشد.

۳- حل و فصل اختلافات

حل و فصل اختلافات حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و سرمایه‌گذاران ریشه و سابقه‌ای تاریخی در قواعد حقوق بین‌الملل عرفی دارد این اختلافات به نوعی به دلیل مصادره اموال سرمایه‌گذار خارجی در کشور میزبان و جنگ و شورش در این کشور ایجاد شده است به گفته‌ی جان آدامز «هیچ اصلی در حقوق بین‌الملل استوارتر از حمایت از اموال سرمایه‌گذار در مقابل دولت سرمایه‌پذیر نیست» مطابق با مفهوم سنتی رایج در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خروجی که رفتار و اقدامات دولت میزبان زیان می‌دید به منظور جبران خسارت دو انتخاب پیش رو داشت: یک. رجوع به دادگاه‌های دولت میزبان و اقامه‌ی دعوا علیه دولت می‌زنند دو. در صورتی که از این طریق جبران خسارت محقق نمی‌شد سرمایه‌گذار خارجی به دولت متبوع خود رجوع کرده و حمایت دیپلماتیک را درخواست می‌کرد دولت متبوع سرمایه‌گذار نیز باتوجه به موضوع و کشور سرمایه‌پذیر ممکن گزینه‌های مذاکره داوری و حتی توسل به زور را به منظور جبران خسارت سرمایه‌گذار متبوع خود استفاده نماید و به کلی بر این اساس هر اقدامی که بر مبنای قواعد حقوق بین‌الملل که در مقابل سرمایه‌گذاری خارجی نقض این قواعد محسوب می‌شد به عنوان اختلافی بین دولت سرمایه‌پذیر و دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی تلقی می‌شد و چنانچه سرمایه‌های

سرمایه‌گذاران خارجی توسط دولت میزبان صادره می‌شد دولت متبوع سرمایه‌گذار قادر به پیگیری موضوع بر مبنای نقض قواعد حقوق بین‌الملل را داشت.

از دیدگاه سرمایه‌گذاری خارجی شیوه حمایت دیپلماتیک روشی ضعیف و غیر قابل اتکایی به منظور جبران خسارت است در کنار ضرورت تابعیت سرمایه‌گذار عدم نتیجه‌گیری در دادگاهی دولت میزبان نیز شرط حمایت دیپلماتیک محسوب می‌شد از سویی دیگر بدلیل مناسبات بین کشورها به ندرت کشوری اقدام به پیگیری حقوق اتباع خود در برابر دولتی دیگر می‌کرد و مناسبات سیاسی را بر روابط سرمایه‌گذار خود و دولت میزبان ترجیح می‌داد از این رو به منظور اجتناب از رجوع به دادگاه‌های محلی در کشور میزبان سرمایه‌گذاران در قرارداد سرمایه‌گذاری با کشور میزبان به گنجاندن شرط داوری سوق می‌داد از این پس تعداد دعاوی در حوزه نفت و گاز بین شرکت‌های نفتی و کشورهای عربی بعد از جنگ جهانی دوم افزایش یافت به عنوان نمونه می‌توان به دعوی آرامکو و دولت لیبی به داوری مشهور لیام کو و دعوی بی پی و تاپیکو اشاره کرد گرچه تعداد دعاوی که از این طریق حل و فصل شد نسبتاً زیاد بود ولی برای مکانیزم داوری تجاری بین‌المللی در حوزه سرمایه‌گذاری چندان راهگشایی نمی‌کرد این موضوع انعقاد کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دول در سال ۱۹۶۵ واشنگتن به ایجاد مرکز بین‌المللی حل و فصل ناشی از سرمایه‌گذاری را دنبال داشت به دنبال توسعه قواعد حقوق بین‌الملل و نیز حمایت بیشتر سرمایه‌گذاران در صحنه بین‌المللی امروز بیش از ۱۹۰۰ معاهده دو و چند جانبه سرمایه‌گذاری مانند نفت و معاهده منشور انرژی با پیش‌بینی مکانیزم اقامه دعوی مستقیم علیه دولت سرمایه‌پذیر بدلیل نقض مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری در محاکم داوری بین‌المللی تحولی در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی و حمایت از آن ایجاد کردند.

۳. جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی در

ایران

تحت معاهدات دویا چند جانبه در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران با دیگر دولت‌ها که بالغ بر بیش از ۵۰ معاهده می باشد، با وجود تنوع موجود در مقررات حل و فصل اختلاف سیر کلی سیستم حل و فصل اختلافات مشابه است در معاهدات مزبور و نیز معاهده چند جانبه سرمایه‌گذاری کل سیستم حل و فصل اختلافات بر مبنای طرف‌های اختلاف به دو دسته تقسیم می‌شود الف: اختلاف میان یک طرف متعاقد و سرمایه‌گذار طرف متعاقد دیگر ب: اختلاف میان طرف‌های متعاقد متعهد

۳-۱- اختلاف میان یک طرف متعاقد و سرمایه‌گذار طرف متعاقد دیگر

مطابق با معاهدات سرمایه‌گذاری دولتی با دولت‌ها اختلاف به یک طرف متعاقد و سرمایه‌گذار طرف متعاقد دیگر چنانچه به روش دوستانه و با مذاکره حل و فصل نشود از دو مرجع دادگاه‌های صالحه دولت میزبان دوباره پیگیری می‌شود در هر صورت به کارگیری این شیوه و به صورت موازی امکان پذیر نمی باشد و چنانچه اختلاف در دادگاه در حال رسیدگی باشد ارجاع آن به داوری صرفاً با توافق طرفین صورت خواهد گرفت و در صورتی که منتهی به صدور حکم قطعی شود قابل ارجاع به داوری نخواهد بود هر اختلافی که به داوری ارجاع شود نیز صلاحیت دادگاه‌های داخل مستثنی شد با این وجود این امر مانع آن نخواهد بود که محکوم‌له حکم داوری برای اجرای آن به دادگاه حقوقی مراجعه کند برخی از معاهدات مزبور به عنوان مثال معاهدات سرمایه‌گذاری دولت ایران با دولت‌های قبرس؛ کویت؛ سوئد؛ اندونزی؛ مالزی؛ ونزوئلا؛ اتریش؛ اسپانیا و فرانسه می‌توان اشاره کرد از حیث مراجع داوری که سرمایه‌گذار قادر است اختلافات خود را به آن ارجاع دهد دارای تنوع نسبتاً زیادی است به نحوی که سرمایه‌گذار می‌تواند اختلافات حاصل شده را در دیوان اتاق بازرگانی استکهلم؛ دیوان اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس

ومرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری مشروط بر این‌که دو طرف متعاقد به کنوانسیون یادشده پیوسته باشند یا دیوان داوری ویژه که طبق قواعد داوری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد تشکیل شده است ارجاع کند دیوان داوری آیین رسیدگی و محل داوری را تعیین می‌کند در برخی دیگر از معاهدات مانند موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دولت ایران و چین آفریقای جنوبی و سوئیس چنین تنوعی وجود ندارد و در صورتی که طرف متعاقد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار نتواند ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ اختلاف به دیگری از طریق مذاکره و به شیوه‌ای دوستانه به توافق برسند هر یک از آن‌ها می‌تواند اختلاف را در دادگاه‌های صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر مطرح و با یک هیئت داوری سه نفره تشریفات رسیدگی در این‌گونه است که طرف متعاقد سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌گذار هر کدام که بخواهند اختلافی را به داوری ارجاع می‌کنند باید ضمن ارسال اخطاریه کتبی برای طرف دیگر، داور منتخب خود را معرفی کند و طرف دیگر نیز باید ظرف مدت شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه یادشده نسبت به معرفی داور اقدام نماید و داوران منتخب باید ظرف مدت شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب، سرداور را تعیین کند چنانچه هر یک از طرفین، در ظرف مدت مقرر نتوانند داور تعیین‌کنند و داور منتخب ظرف مدت یادشده در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند هر یک از طرف او می‌تواند از دبیرکل دیوان دائمی داوری بخواهد که داور ممتنع یا سرداور را تعیین کند. در هر صورت سرداور باید از اتباع کشوری انتخاب شد که طرف متعاقد روابط سیاسی در دیوان داوری آیین دادرسی ویژه خود و نیز محل داوری را مشخص می‌کند تصمیم‌های دیوان داوری باید با اکثریت آرا اتخاذ شد این رای قطعی و برای دو طرف اختلاف لازم‌الاجرا خواهد بود طرف‌های متعاقد متعهد به اجرای آن خواهد بود.

۲-۳- اختلافات میان طرف‌های متعاقد

در اغلب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری دولت ایران با دیگر دولت‌ها حل و فصل

اختلافات میان طرف‌های متعاقد تقریباً دارای سیستم یک‌سو نیست به موجب این معاهدات فرآیند حل‌وفصل اختلافات بین دولت‌ها در دو مرحله و به شیوه‌ای دوستانه یا دیپلماتیک و دوباره دنبال می‌شد چنانچه طرف طرف مدت مشخصی از تاریخ شروع مذاکرات دوستانه دیپلماتیک طرفین به توافقی در خصوص حل‌وفصل اختلافات نائل نشوند هر یک می‌توانند موضوع را با رعایت تشریفات مقرر در موافقت‌نامه به داوری سه نفره یا دیوان دوباره در صورتی که هر یک از طرفین اختلاف از انتخاب داور اختصاصی خود امتناع کند و یا دو داور منتخب سرداور را انتخاب نکنند رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری با رعایت تشریفات مقرر و به‌عنوان مقام ناصب داوری‌های اختصاصی یا سرداور را انتخاب کند شرط با جرح و تعدیل‌هایی اندک تقریباً در کلیه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری دولت ایران به دوراز ادعای دیگر مانند معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری دولت ایران با دولت‌های سوئد؛ اتریش؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ آلمان؛ اسپانیا؛ کویت؛ ارمنستان؛ آذربایجان؛ ترکیه؛ افغانستان و فنلاند و نیز موافقت‌نامه‌ای چندجانبه دولت‌های عضو که مقرر شده‌است «کلیه اختلافات ناشی از اجراء و تفسیر موافقت‌نامه‌ها و مرتبط با آن ابتدا از طریق مشاوره و بطور دوستانه حل‌وفصل خواهد شد در صورت عدم توافق ظرف شش ماه از تاریخ شروع مذاکرات، هر یک از طرف‌های متعاقد می‌تواند ضمن ارسال اطلاعیه‌ای برای طرف متعاقد دیگر موضوع را به یک هیئت داوری سه نفره مرکب از دو داور منتخب طرف‌های متعاقد و یک سرداور ارجاع کند در صورت ارجاع امر به داوری هر یک از طرف‌های متعاقد نیز ظرف مدت شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه نسبت به معرفی داور اقدام می‌کند و داوران منتخب طرف‌های متعاقد ظرف مدت شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب سرداور را تعیین خواهد کرد چنانچه هر یک از طرف‌های متعاقد ظرف مدت مقرر داور خود را تعیین نکند و داوران منتخب ظرف مدت یادشده در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند هر یک از طرف‌های متعاقد می‌تواند از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری بخواهد داور ممتنع یا سرداور را تعیین کند سرداور باید در هر صورت

تابعیت کشوری را دارا باشد که تابعیت یکسان با طرف‌های متعاقد در بعد سیاسی ندارد در مواردی که سرداور باید توسط رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تعیین شود چنانچه رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری از انجام وظیفه معذور یا تبعه کشور متعاقد داشته باشد، انتصاب توسط معاون رئیس انجام خواهد شد چنانچه معاون رئیس نیز از انجام وظیفه یادشده معذور بوده یا یکی از تبعه‌های طرف‌های متعاقد باشد این توسط عضو ارشد دیوان که تابعیت هیچ‌یک از طرف‌های متعاقد را نداشته باشند انتخاب خواهد شد هیئت داوری با توجه به دیگر مواردی که طرف متعاقد توافق کردند آیین و محل داوری را تعیین می‌نماید و تصمیم‌ها برای طرفین متعاقد لازم‌الاتباع است هر طرف متعاقد هزینه داوران خود به نمایندگی خود در جریان رسیدگی را خواهد پذیرفت دیگر هزینه‌ها از جمله هزینه مربوط به سرداور با طرف متعاقد به صورت مساوی پرداخت خواهد شد.

۳-۳- داوری در معاهده منشور انرژی

به دلیل مقررات منحصر به فرد معاهده منشور انرژی در زمینه حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری یک سو و عضویت ناظر دولت ایران در این معاهده از سوی دیگر، در ادامه با بیان یک مقدمه به طور موردی به بررسی سازوکار حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری در این مورد پرداخته خواهد شد در دنیای صنعتی امروز نیاز کشورها چه توسعه یافته و چه در مسیر توسعه به منابع انرژی امری اجتناب ناپذیر است کشورهای صنعتی نیاز خود به محصولات انرژی را به نوعی از کشورهای در حال توسعه تأمین می‌کنند؛ به عنوان نمونه کشور ایران با در اختیار داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز طبیعی در منطقه قرار گرفته که بیش از پنج درصد از منابع انرژی در جهان را دارد بسیاری از کشورهای توسعه یافته منابع مورد نیاز خود را از کشورهای با اقتصاد در حال بزرگ همچون ایران تأمین می‌کند به منظور تأمین انرژی کشورهای صنعتی از یک سو و بهره برداری بهینه از منابع انرژی از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری گسترده کشورهای توسعه یافته در بخش انرژی

امری اجتناب ناپذیر است و گاهی بدون وجود چارچوب حقوقی به منظور تنظیم روابط این دول در نیز میسر انرژی میسر نمی شود به همین منظور معاهده انرژی^۱ در زمینه ی ارتقاء همکاری بین المللی در بخش انرژی است پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و با نابودی سیستم سوسیالیستی در اروپای شرقی و مرکزی به پیشنهاد نخست وزیر هلند اقداماتی به منظور تسهیل تجارت و گسترش همکاری در بخش انرژی اروپای غربی و شوروی سابق و اروپای شرقی و مرکزی انجام شد معاهده منشور نیز در پی همکاری بلندمدت و مشارکت کشورهای عضو در موارد زیر است:

ایجاد بازارهای باز انرژی و تأمین و تنوع منابع انرژی به تشویق و حمایت سرمایه گذاری و تجارت خارجی در بخش انرژی پی (کمک به کشورهای در حال توسعه در بهبود راهبردهای خود در بخش انرژی و ایجاد یک چارچوب قانونی در این بخش و نیز بهبود و مدرنیزه کردن صنایع مربوط در بخش انرژی و جذب سرمایه گذاری خارجی به منظور ارتقای تولید محصولات انرژی به صورت چربی در رژیم حقوقی حل و فصل اختلافات در معاهدات منشور انرژی بر حسب موضوع کلان موجود در بخش انرژی شامل سرمایه گذاری ترانزیت و تجارت متغیر است به نحوی که در هر مورد با توجه به ماهیت موضوع سیستم منحصر به فردی برای حل و فصل اختلافات پیش بینی شده است ایران با داشتن منابع عظیم هیدروکربن نقش کلیدی در تأمین انرژی کشورهای توسعه یافته و نیز اقتصادهای نوظهور مانند هند و چین و کره جنوبی بازی می کند بعد این که دولت ایران در سال ۸۱ عنوان عضو ناظر حضور دارد ولی تصمیم گیری در راستای الحاق قطعی به آن افزون بر تجزیه و تحلیل موانع موجود و مفاد معاهده مستلزم تبیین وضعیت کنونی کشور در بخش انرژی به ویژه جایگاه ایران به عنوان یک کشور سرمایه پذیر در این موضوع است بدین منظور ضروری است که آثار الحاق به معاهده از ابعاد گوناگون اقتصاد سیاسی حقوق زیست محیطی بررسی شود بی تردید حل و فصل اختلافات از طریق داوری بر مبنای

1. Energy charter treaty

توافق طرفین در قرارداد گنجانده می‌شود این رضایت معمولاً در قرارداد تحت عنوان شرط داوری مورد توافق قرار می‌گیرد در غیر این صورت براساس توافق‌های بعدی اعضای اختلافات حاصل شده را به داوری ارجاع دهند؛ به خصوص سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است چارچوب حقوقی سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار و چنین موافقت‌نامه داوری منع کند و یا دولت سرمایه‌پذیر به زودی به نفع داوری رضایت ندهد و مکانیزم حل و فصل اختلافات مطابق ماده ۲۶ معاهده بین دولت میزبان بر مبنای مفهوم داوری مستقیم شکل گیرد که به موجب این ماده سرمایه‌گذاری خارجی بدون نیاز به مکانیزم حمایت دیپلماتیک و دخالت دولت متبوع خود با رجوع به محاکم دولت سرمایه‌پذیر قدرت مسلم دولت میزبان را در محاکم داوری طرف دعوا قرار دهد بنابراین یکی از معاهداتی که در آن به عنوان داوری یک مکانیزم حل و فصل اختلافات و دعاوی مورد پذیرش واقع شده است و ایران به عنوان عضو ناظر در سال ۱۳۸۱ در آن پذیرفته شده است منشور انرژی است.^۱

۴- چالش‌های ارجاع داوری در حقوق ایران

قواعد حل اختلاف سرمایه‌گذاری در حقوق داخلی و قوانین اعم از عادی و اساسی مهم‌ترین منبع و پایگاه قواعد حل اختلاف سرمایه‌گذاری در حقوق داخلی ایران هستند معاهدات به‌ویژه معاهدات متقابل تشویق سرمایه‌گذاری خارجی از این قبیل است که بدلیل تصویب مجلس در مقوله قوانین می‌گذرد قواعد حل اختلاف سرمایه‌گذاری خارجی در قانون اساسی اختلافات مالی ارکان و اجزای دولت با سایرین ضامن منافع عمومی مربوط می‌شود اگر حل و فصل اختلافات در این زمینه از طریق مراجع قضایی داخلی صورت نگیرد و قرار بر سازش و صلح دعاوی و ارجاع امر به داوری باشد این روند باید با نظارت ویژه جریان یابد چراکه در این فرض به جای حاکمیت قانون و اجرای مفاد قرارداد اعمال روش‌های مبتنی بر انصاف و کدخدانمشی به صلاح دید شخصی افراد

۱. حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، دکتر علی حاتمی اسماعیل کریمیان ۱۴۰۰، انتشارات تیسرا

دخیل داوری و صلح و سازش به میان می‌آید و سرنوشت اموال عمومی و دولتی بدست اوضاع و احوال روال حاکم بر جریان و حل اختلاف سپرده می‌شود قانون‌گذار اساسی و عادی با وضع ضوابطی سعی در قانع کردن این روند داشته است در قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۴۵۷ حکم مشابه آن چه در اصل ۱۳۹ آمده است دارد که مختص داوری است بموجب این ماده ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گرفت در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی است که قانون آن را مهم تشخیص داده تصویب مجلس شورای اسلامی ضروری است تبصره ماده ۴۵۸ فوق به اجرای اصل مذکور تأکید می‌نماید به موجب این تبصره قراردادهای داوری که قبل از اجرای این قانون تنظیم شده است با رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی تابع مقررات زمان تنظیم می‌باشد؛ به نظر می‌رسد عدم اشاره به صلح دعاوی اموال عمومی و دولتی در این مواد و اکتفا به داوری این‌گونه توجیه می‌شود که قانون‌گذار در مقام بیان حکم داوری بوده است از این رو به صلح دعاوی اشاره نشده است افزون بر این سکوت اثری بر حکم مندرج در اصل ۱۳۹ پیرامون صلح دعاوی اموال دولتی و عمومی ندارد زیرا سکوت قانون نمی‌تواند احتمال نسخ قانون اساسی را به دنبال داشته باشد و از سوی دیگر؛ برخی احتمال نسخ اصل ۱۳۹ به موجب قانون داوری تجاری بین‌المللی مطرح لیکن به دلیل خاص بودن حکم قانون سابق به حکم قانون لاحق این احتمال را رد کرده‌اند در رد این احتمال افزون بر محتوا آن و نص قانون اساسی بنا به تصریح بند ۲ ماده ۳۶ قانون داوری تجاری باید مقید به ضرورت رعایت تشریفات قوانین سابق شد همچنین به موجب ماده ۲۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و اتخاذ تصمیم در خصوص گذشت شخص حقیقی و حقوقی از هر یک از تصمیم‌ها در امر واگذاری سهام موضوع ماده ۹ به بعد قانون برنامه سوم توسعه در صلاحیت هیئت داوری مرکب از هفت نفر می‌باشد رأی هیئت داوری قابل اعتراض در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل

دعوا را دارد، می باشد صرف نظر از این که قوانین برنامه توسعه اصولاً برای مدت آن برنامه یعنی پنج ساله می باشد در این مدل رعایت تشریفات مورد رسیدگی پیش بینی نشده است در اجرای اصل ۱۳۹ در تمام موارد مذکور از جمله صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع به داوری که طرف دعوا خارجی باشد دولت موظف است متن تفصیلی آن را تقدیم مجلس نماید تا به صورت یک شوری مورد رسیدگی قرار دهد بدین ترتیب که پس از گزارش کمیسیون مربوطه با صحبت دو مخالف و دو موافق کلیات و جزئیات، هر کدام به مدت پانزده دقیقه برای تصویب گزارش اقدام می نمایند این در حالی است برخی از صاحب نظران حقوق اساسی معتقدند که لازمه طرح در مجلس، تصویب هیئت وزیران است و این تصویب را مربوط به هماهنگی مجلس با دولت دانستند لذا وزارت خانه ها و دستگاه دولتی ممکن است رأساً طرف دعوا باشند باید موافقت هیئت وزیران کسب نمایند بنابراین باید دخالت مجلس در شأن نظارتی و کنترل دخالت دولت از حیث اداری و اجرایی قلمداد نمود.

۴-۱- حکم فروض گوناگون اختلاف دولت و دیگران

با توجه به اصل ۱۳۹ در صورت بروز اختلاف راجع به اموال عمومی در دولت پنج فرض گوناگون قابل تصور است ضمن بیان آن ها محل اشکال به ویژه برای اختلافات ناشی از طرح بزرگ خارجی بررسی می شود.

فرض اول: طرف اختلاف خواه دولت ایرانی ها طرف مقابل اعم از این که طرف خارجی باشد و موضوع را نزد مراجع قضایی مطرح می کنند در این فرض بدون این که نیازی به تصویب هیئت وزیران و اطلاع و تصویب موضوع حکم قطعی دادگاه ایران هر چه باشد. بنا به نظر نمایندگی این فرض نیز اجازه و تصویب مجلس ضروری است این نظر نه تنها با فلسفه اصل ۱۳۹ در تعارض است بلکه با مصالح و مقتضیات تجارت جهانی امروز موافق نیست.

در فرض دوم: صلح دعاوی در موارد غیر مهم راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع به داوری با یک طرف ایرانی مطرح باشد که در این فرض به صراحت اصل ۱۳۹ و ماده ۴۵۷ آیین دادرسی مدنی عنوان نموده و به درستی افزون بر تصویب هیئت وزیران تنها باید به اطلاع مجلس برسد.

فرض سوم: صلح دعاوی در موارد مهم راجع به اموال عمومی و دولتی با ارجاع آن به داوری با یک طرف ایرانی مطرح می‌باشد و وزیر به صراحت اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ آیین دادرسی مدنی افزون بر تصویب هیئت وزیران باید به تصویب مجلس نیز برسد.

فرض چهارم: اگر صلح دعاوی و ارجاع آن به داوری راجع به اموال متعلق به بخش خصوصی مطرح باشد که به هر دلیل توسط مؤسسات و نهادهای عمومی و دولتی اداره می‌شود یعنی این فرض مشمول حکم مندرج در اصل ۱۳۹ نمی‌باشد زیرا حکم اصل اختصاص به اموال عمومی و دولتی دارد و اموال خصوصی ولو این که اموال مدیر یا ناظر دولتی داشته باشند.

فرض پنجم: صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری و یک طرف خارجی مطرح باشد که در این فرض به صراحت اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی افزون بر تصویب میدان باید به تصویب مجلس برسد.

برآمد

با توجه به این که سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از منابع تأمین سرمایه و یکی از فاکتورهای پیشرفت هر کشوری در دنیای کنونی محسوب می‌شود با توجه به اینکه اصل ۱۳۹ قانون اساسی و قوانین عادی موجود در ایران تضمین امنیت و حصول اطمینان می‌باشد را با مشکل مواجه می‌کند و دارای عوارض و تبعات نامناسب است لذا برای برون رفت از این چالش روش‌هایی را می‌توان استناد نمود که توجیه کننده اصل ۱۳۹ قانون اساسی باشد و بستر را برای الحاق ایران به معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ فراهم و سپس زمینه‌های مناسب برای جذب سرمایه را برای سرمایه‌گذاری خارج بیش از پیش فراهم آورد که در نیل به این هدف می‌توان به روش‌های ذیل تمسک جست:

۱. استناد به نظر دکترین حقوقی: بدین معنا که یکی از راه‌های برون رفت از چالش موجود در ارجاع اختلافات و دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی تفسیر مضیق از اصل ۱۳۹ قانون اساسی است در این تفسیر به توضیح الفاظ مورد اشاره توجه می‌شود و با این وصف که حکم مندرج در اصل ۱۳۹ استثنایی است آن را در مفهوم محدود کرد به عبارتی لفظ صلح و ارجاع مذکور در این اصل را قرینه بر این دانست که حکمی است تنها در مواردی است که اختلاف رخ داده است و نزد مرجع قضایی نیز مطرح شده است بنابراین شامل مرحله قبل از اختلاف و در زمان انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌باشد بنابراین در چنین مواردی قائل به چنین تفسیری باشیم ضرورتی به ارجاع به اصل ۱۳۹ قانون اساسی نمی‌باشد.

۲. تفکیک دعاوی: به این معنا که باید پذیرفت اختلاف زمانی محقق می‌شود که یک طرف در برابر درخواست دیگری پاسخ منفی می‌دهد دعوایی که ممکن است با وجود اختلاف هیچ‌یک از طرفین دعوایی را در مرجعی مطرح نکرده باشند تعریفی که در حقوق ما از دعاوی ارائه شده است عبارت است از تنازع یا منازعه اختلافی است که به منظور رسیدگی

و صدور حکم یا قطع و فصل به دادگاهی که صالح رسیدگی دارد ارجاع شود؛ بنابراین پس از مراجعه به مراجع صالح جهت قضاوت گزاردن اختلاف است درحالی که پیش از این مراجع اختلاف موجود بوده است با این توضیح نسبت منطقی میان اختلاف و دعوا عموم خصوص مطلق است یعنی هر دعوایی دربردارنده اختلافات است لیکن برخی اختلافات منتهی به دعوا میگردد و برخی دیگر منتهی به دعوا نمی شود. صرف نظر از پذیرش یا رد این برداشت نمی توان گفت این نظر هم چالش های مورد اشاره را برطرف می کنند زیرا از یک سو تکلیف پیش بینی ارجاع دعاوی همچنان در ابهام می ماند از سویی دیگر دعاوی قضایی موجود همچنان مشمول تشریفات تأسیس اصل ۱۳۹ خواهند بود اما می تواند در برخی از موارد راهگشا باشد و از قاعده ی شمول از اصل ۱۳۹ خارج نماید.

۳. تصویب قوانین و موافقت های دوجانبه حمایت از سرمایه گذاری خارجی: یکی از راه های برون رفت از این چالش ها تصویب نمودن و موافقت نامه های دوجانبه می باشد به این معنا که هر چند به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی رجوع به داوری در دعاوی اموال دولتی و عمومی ضرورتاً منوط به تصویب مجلس است لیکن با توجه به این که طبق قانون اساسی می بایست موافقت نامه دوجانبه سرمایه گذاری میان دولت ایران و دولت ها صراحتاً ارجاع اختلاف به داور پیش بینی نشده و این پیش بینی تصویب مجلس شورای اسلامی است لذا الزام مندرج در اصل ؛ با تصویب قانون موافقت نامه های دوجانبه محقق است و برای ارجاع دعاوی فیما بین طرفین ایرانی و خارجی به داوری تصویب مجلس شورای اسلامی مصداق تحصیل حاصل بوده است و ضرورتی ندارد در تأیید این پاسخ نیز به این که در موارد شمول اصل ست اصلاح قرارداد شورای نگهبان به نظر تفسیری مبنی بر ارجاع به داوری از طرف دولت بدون کسب مجوز مجدد باقانون اساسی مغایرت ندارد هر چند این نظر در خصوص قوانین موافقت نامه های دوجانبه سرمایه گذاری الزامی نیست لیکن بنا به وحدت ملاک آن ها به این که در ضرورت تصویب مجلس به مجدداً می بایست تأیید شورای نگهبان برسد و اگر قوانین مغایر قانون اساسی

می دانست در نتیجه تأیید آن‌ها به منزله تأیید عدم ضرورت تصویب مجلس برای ارجاع دعاوی به داوری استی توان به نظریه شورای نگهبان مورخ ۱۸.۴.۶۵ که مورد مشابهی ارائه شده نیز استناد جست .

بنابراین با استفاده از این راهکارها می توان تعارض ظاهری و مانع موجود در ارجاع موضوع اختلافات و دعاوی ناشی از سرمایه گذاری خارجی در ایران را رفع نمود و به تضمین امنیت و سرعت رسیدگی به اختلافات با رعایت اصل بی طرفی در سرمایه گذاری خارجی مساعدت نمود.

منابع

فارسی

- اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد «اصول قراردادهای تجاری بین المللی» موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، تهران ۱۳۷۹
- اشرف زاده، حمیدرضا، طارم سری، مسعود، مجموعه آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی-اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ۱۳۷۰
- اکهرست مایکل، حقوق بین الملل نوین، ترجمه دکتر بهمن آقایی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران؛ چاپ ۱۳۷۶
- الماسی، نجاد علی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران؛ نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۳
- الماسی، نجاد علی، «تعارض قوانین» مرکز دانشگاهی، تهران؛ چاپ اول ۱۳۶۸
- اعتمادی، فرهاد، «دادگاه داوری در دعاوی ایران و آمریکا» انتشارات گنج دانش، چاپ اول ۱۳۸۴
- امام، فرهاد، حقوق سرمایه گذاری خارجی ایران، نشریلدا، تهران، چاپ اول ۱۳۷۳
- امامی، سیدحسن، «حقوق ملنی» ج ۶؛ انتشارات اسلامیه چاپ هشتم، دی ماه ۱۳۶۷
- بازگیر، یدالله، قواعد فقهی و حقوقی در آرا دیوان عالی کشور، انتشارات دانش نگار، ۱۳۸۱
- براتی دارانی، علی اکبر، نظام صلاحیت ایکسید، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش ۱۳۹۴
- تفرشی، محمد عیسی، تضمین سرمایه گذاری خارجی در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ۱۳۸۱
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، چاپ اول

۱۳۶۸

جنیدی، لعیبا، «*قانون حکم در داوری های تجاری بین المللی*» نشر دادگتر

چاپ اول ۱۳۷۸

سلجوقی، محمود، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۲، نشر دادگستر، چاپ

اول ۱۳۷۷

شمس، عبدالله، *آیین اداری مدنی*، ج ۲، انتشارات دراک، چاپ پنجم ۱۳۸۲

شیروی، عبدالحسین، *حقوق تجارت بین الملل*، سازمان مطالعه و تدوین کتب

علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۹۱

علیدوستی، ناصر، *حقوق سرمایه گذاری خارجی*، انتشارات خرسندی، چاپ

اول، ۱۴۰۰

علیدوستی، ناصر ترجمه «معاهده مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری

خارجی»، *دوماهنامه بررسی بازرگانی*، ش ۲۱، ناشر موسسه مطالعات و پژوهشهای

بازرگانی، ۱۳۸۵

مصلحی، علی حسین و صادقی، محسن، «نگاهی به شیوه های جایگزین حل

و فصل اختلافات» *مجله نامه مفید*، سال دهم ۱۳۸۳.

انگلیسی

Avanessian Adia B.1993, *Iran-United clams Tribunal in Action*, Kluwer Academia Publisher Grope London.

Broches .A. *Arbitration under the ICSID Convention* ,ICSID Publication 1991.

Chia, jui Cheng, *Basic Document on International Trade Low* ,2ed ,Kluwer Law 1992.

Cottam Richard , *Iran and United States, a Cold War Case Study* ,Iran-U.S.C.T.R. Vol.5. 1984.

Dloume.GR “ICSID Arbitration and the Court”77American *International journal of law*.1983.

Hurch Moshe, *the Arbitration Mechanism of the ICSID*,Netherlands19936.

Micheal W Buhler and Jonathan Eades,Jones Day, *Investment Disputes :The Question for in-house Counsel*.2005,

Sornarajah.M.*The International law on Foreign Investment. The Hague* ,Kluwer law International.2000,